

مقاله پژوهشی

بررسی نقش وقف در سازمان فضایی محله: از نهاد اجتماعی تا الگوی فضایی

(مطالعه چال میدان در دوره قاجار)

زهره عطایی آشتیانی*

مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

فهیمة موسوی

گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

گروه تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

زهره نقدآبادی

دانشکده مهندسی برق، دانشگاه شریف، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

چکیده وقف، در طول تاریخ شهرهای اسلامی، صرفاً نهادی مالی یا خیریه‌ای نبوده، بلکه یکی از ابزارهای پایدار شکل‌دهنده به سازمان فضایی شهر به‌شمار می‌آید. باین حال، در مطالعات شهرسازی ایران، بررسی وقف عمدتاً در سطح توصیف تاریخی متوقف مانده و سازوکارهای فضایی آن، به‌ویژه در مقیاس محله، کمتر به‌صورت تحلیلی و نظام‌مند واکاوی شده است. این پژوهش با تمرکز بر محله چال میدان در تهران دوره قاجار، می‌کوشد تا به تبیین نقش وقف در شکل‌گیری ساختار فضایی این محله بپردازد و الگویی فضایی-عملکردی از این فرایند استخراج کند. روش پژوهش، بر رویکرد کیفی-تاریخی و تحلیل فضایی استوار است و در دو سطح پیش می‌رود: از یک‌سو، مطالعه اسناد شامل وقف‌نامه‌ها، نقشه‌های تاریخی، گزارش‌های بلدی و از سوی دیگر، تحلیل سازمان کالبدی محله در قالب شبکه‌های حرکتی و نظام استقرار فضاهای وقفی. چارچوب نظری پژوهش، با تلفیق نظریه تولید فضا، تحلیل سازمان فضایی و حرکت، مفهوم ساخت کالبدی-اجتماعی و زبان الگو سامان یافته است. نتایج نشان می‌دهد که وقف در محله چال میدان، از طریق سه سازوکار محوری تنظیم روابط مالکیت و دسترسی، سامان‌دهی کاربری‌های عمومی و آیینی و ایجاد کانون‌های تجمع اجتماعی، در تولید و تثبیت ساختار فضایی محله نقشی اساسی ایفا کرده است. بر این پایه، شبکه‌ای متشکل از فضاهای وقفی همچون مسجد، مدرسه، حسینیه و آب‌انبار، در پیوند ارگانیک با گذرهای محله‌ای شکل گرفته و زمینه‌ساز ایجاد مرکزیت محلی، تقویت حیات جمعی و تدوم هویت فضایی چال میدان شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد الگوی وقف‌محور سازمان فضایی می‌تواند به‌عنوان چارچوبی تحلیلی در بازخوانی سیاست‌های بازآفرینی محلات تاریخی و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای سنتی در مدیریت شهری امروز استفاده شود.

واژگان کلیدی وقف، تولید فضا، سازمان فضایی محله، چال میدان، تهران قاجاری، نهادهای اجتماعی-فضایی

مقدمه وقف در سنت شهر اسلامی، نهادی فراتر از امور خیریه بوده و نقشی پایدار در سازمان‌دهی فضایی و زندگی جمعی شهرها ایفا کرده است. عناصر کلیدی فضاهای عمومی مانند مساجد، مدارس و تکیه‌ها عمدتاً از طریق نظام وقف شکل گرفته‌اند (Bianca, 2000). این نهاد، سازوکاری مؤثر برای تولید و تثبیت فضا در سطوح کالبدی و اجتماعی به‌شمار می‌رود، امری که در تکوین محلات تاریخی تهران نیز مشهود است (اتحادیه، ۱۳۷۸؛ Habibi, 2008). باین حال، ادبیات شهرسازی ایران عمدتاً وقف را در حیطه تاریخی‌نگاری یا

اقتصاد مذهبی مطالعه کرده و از تحلیل فضایی آن در مقیاس محله غافل مانده است. پژوهش‌های موجود اغلب به توصیف بناهای وقفی یا فهرست موقوفات بسنده کرده‌اند و پیوند نظام وقف با الگوهای استقرار کاربری، ساختار مالکیت و شبکه حرکت شهری را به شکلی نظام‌مند واکاوی نکرده‌اند. این خلأ به‌ویژه در مورد تهران دوره قاجار که تحولات کالبدی‌اش به تفصیل بررسی شده، آشکار است. در این زمینه، مطالعات غالباً نقش فعال وقف را به‌عنوان عاملی فضا‌ساز نادیده گرفته و صرفاً به توصیف آثار وقفی پرداخته‌اند (اتحادیه،

(Karimian et al., 2017؛ ۱۳۷۸).

* نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۵۴۴۱۳۹۲@ihcs.ac.ir z.ataei

رواج یافته است؛ به گونه‌ای که نویسندگانی چون عبدالعظیم و الشاهد (Abdelmonem & Elshahe, 2012)، وقف را بخشی از سازوکار حکمرانی شهری می‌دانند که در کنار نهادهای رسمی، شبکه‌ای از فضاها و خدمات در مقیاس محله‌ای پدید می‌آورد. باین حال، بیشتر این پژوهش‌ها در مقیاس کلان شهر یا منطقه باقی می‌مانند و کمتر به تحلیل سازوکارهای فضا ساز وقف در محدوده یک محله مشخص، بر پایه اسناد تاریخی و تحلیل ریخت‌شناختی دقیق، پرداخته‌اند.

سازمان فضایی و ریخت‌شناسی محلات تاریخی مطالعات ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی، محله را واحد بنیادی سازمان فضایی و اجتماعی شهر می‌دانند. آثار پژوهشگرانی مانند حکیم (Hakim, 1986)، بیانکا (Bianca, 2000) و ابوالغد (Abu-Lughod, 1971) نشان می‌دهد که محلات تاریخی حاصل برهم‌کنش طولانی مدت نهادهای محلی، روابط خویشاوندی، نظام‌های مالکیت و نهادهای مذهبی بوده‌اند. در این چارچوب، عناصری مانند مسجد، حسینیه، خانقاه و بازار در تعریف مرکزیت محله، سلسله مراتب فضا و شبکه حرکت، نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. در این رویکرد، فرم شهری به مثابه نتیجه فرایندهای نهادی و اجتماعی فهمیده می‌شود، نه صرفاً محصول تصمیم‌های فنی یا طرح‌های از بالا به پایین. در ادبیات معاصر ریخت‌شناسی نیز پیوند میان ساختار فضایی، نوع فعالیت‌ها و کیفیت حیات اجتماعی، محور اصلی تحلیل‌هاست. باین حال، در بسیاری از این مطالعات، اگرچه به حضور پررنگ عناصر مذهبی و اجتماعی اشاره می‌شود، سازوکار وقفی پشتیبان تولید و تداوم این عناصر، به طور مستقل و نظام‌مند مدل سازی نشده و نهاد وقف عموماً در پس زمینه تحلیل باقی می‌ماند (Bianca, 2000).

• نظریه‌های تولید فضا و ساخت اجتماعی-فضایی

برای درک نقش وقف در سازمان فضایی محله، بهره‌گیری از برخی نظریه‌های بنیادی در حوزه مطالعات فضا ضروری است. نظریه «تولید فضا»ی هنری لوفور (Lefebvre, 1974/1991) نقطه عزیمت مهمی در این زمینه است. در این چارچوب، فضا به عنوان محصول روابط اجتماعی، اقتصادی و نهادی تعریف می‌شود و نهادها از طریق سازوکارهای حقوقی، اقتصادی و نمادین، فضا را تولید و بازتولید می‌کنند. این رویکرد امکان تحلیل وقف را به عنوان نهادی فراهم می‌کند که از طریق تعیین مالکیت، تخصیص فضا و تعریف کاربری‌ها، در ساختار فضایی محله مداخله می‌کند.

در ادامه، رویکردهایی مانند تحلیل چیدمان فضا (Space Syntax) که توسط پژوهشگرانی مانند هیلیر و هنسن بسط یافته (Hillier & Hanson, 1984)، با شاخص‌هایی مانند یکپارچگی (Integration)، اتصال (Connectivity) و عمق (Depth)، جایگاه عناصر کلیدی در شبکه حرکت و دسترسی را روشن می‌سازد. به کارگیری این روش در مطالعه محلات تاریخی، امکان تحلیل موقعیت فضاها را خاص، میزان مرکزیت آن‌ها و رابطه‌شان با گذرهای اصلی و فرعی را فراهم می‌آورد.

محله چال میدان به عنوان یکی از هسته‌های تاریخی تهران، نمونه‌ای بارز از این پیوند نهادی-فضایی است. باین حال، پژوهش‌های پیشین بیشتر به روایت تاریخی این نقش اکتفا کرده و سازوکارهای عینی تأثیر وقف بر ساختار کالبدی و الگوی حرکتی محله را به صورت تحلیلی بررسی نکرده‌اند. برای پرکردن این شکاف، این پژوهش با تمرکز بر محله چال میدان در دوره قاجار، به این پرسش اصلی می‌پردازد: نهاد وقف از طریق چه سازوکارهایی در فرایند تولید و سازمان فضایی این محله اثرگذار بوده و این کنش، چه الگویی از پیوند میان نهاد، فضا و فعالیت اجتماعی پدید آورده است؟ پرسش فرعی نیز بر چگونگی بازسازی این الگو با تلفیق تحلیل اسنادی و فضایی در یک چارچوب الگوگرا متمرکز است.

اهمیت این پژوهش دوگانه است. از نظر نظری، این مطالعه می‌خواهد شکاف بین مطالعات تاریخی وقف و پژوهش‌های فضایی در شهرسازی ایران را با ارائه خوانشی نو از رابطه نهادهای سنتی و تولید فضا پر کند. از نظر کاربردی، یافته‌های آن می‌تواند مبنایی برای بازاندیشی سیاست‌های بازآفرینی در بافت‌های تاریخی فراهم آورد؛ سیاست‌هایی که با بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای ریشه‌دار محلی مانند وقف، به تقویت هویت مکانی، ارتقای کیفیت فضاهای عمومی و توسعه مدیریت شهری مشارکت‌محور در دوران معاصر بیانجامد.

پیشینه پژوهش

ادبیات مرتبط با این پژوهش را می‌توان در دو سطح کلان دنبال کرد: نخست، مباحث نظری و تجربی بین‌المللی مرتبط با وقف، سازمان فضایی و نظریه‌های معاصر فضا و دوم، مطالعات تاریخی و شهرسازی درباره تهران. در سطح جهانی، چهار محور اصلی قابل تشخیص است: پژوهش‌ها درباره وقف و ساختار فضایی شهرهای اسلامی؛ مطالعات ریخت‌شناسی و سازمان فضایی محلات تاریخی؛ نظریه‌های تولید فضا و ساخت اجتماعی-فضایی و ادبیات نوین حکمرانی شهری و نقش نهادهای محلی. در سطح ایران نیز مجموعه‌ای از آثار تاریخی، وقف‌شناسی و مطالعات موضوع‌محور در حوزه شهرسازی قابل استناد است.

• وقف و ساختار فضایی در شهرهای اسلامی

در ادبیات شهرهای اسلامی، وقف به عنوان یکی از ارکان اصلی نظم فضایی و تأمین خدمات عمومی شناخته می‌شود. پژوهش‌های محققانی مانند هکستر (Hoaxer, 1998) و سینگر (Singer, 2002) نشان می‌دهند که شبکه‌ای از مساجد، مدارس، کاروانسراها، بازارها و سایر فضاهای عمومی مبتنی بر وقف، نقشی اساسی در تثبیت خدمات شهری و تداوم هویت فضایی شهرها ایفا کرده‌اند. این آثار، وقف را نه صرفاً به عنوان سازوکاری مالی، بلکه به مثابه نهادی که در سازمان‌دهی فضایی و اجتماعی شهر مداخله می‌کند، تحلیل می‌کنند.

در آثار متأخر، اصطلاح «نهاد اجتماعی-فضایی» برای توصیف وقف

• حکمرانی شهری و نهادهای محلی

ادبیات نوین حکمرانی شهری، بر نقش نهادهای غیررسمی، شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای محلی در تولید و مدیریت فضا تأکید دارد. در این چارچوب، نهادهایی مانند وقف در شهرهای اسلامی، مصداقی از «حکمرانی از پایین» تلقی می‌شوند که در کنار سازوکارهای رسمی مدیریت شهری، در شکل‌دهی به فضاهای عمومی، تأمین خدمات محلی و سازمان‌دهی شبکه‌های حمایتی نقش‌آفرینی کرده‌اند. این رویکردها از یک‌سو پایداری محلات تاریخی را تاحد زیادی مرهون این نهادهای جامعه‌محور می‌دانند و ازسوی دیگر، بر ظرفیت آن‌ها در فرایندهای بازآفرینی شهری معاصر تأکید می‌کنند. باین‌حال، غالب پژوهش‌های موجود در این حوزه در سطح کلاتشهر یا در مقیاس نواحی شهری باقی مانده است و به نظر می‌رسد که تحلیل ریخت‌شناسی و سازمان فضایی محله‌ای معین، بر پایه اسناد تاریخی، در قیاس با آنها کمتر مدنظر بوده است. ازاین‌رو، هنوز جای پژوهش‌هایی که نقش نهادهایی مانند وقف را در مقیاس خرد و در پیوند با ساختار فضایی مشخص یک محله بررسی کنند، خالی است.

• پیشینه پژوهش در ایران

در زمینه تهران تاریخی، به‌ویژه دوره قاجار، پژوهش‌های موجود را می‌توان در چند دسته متمایز جای داد:

دسته نخست، آثار تاریخی-اجتماعی عمومی درباره تهران که عمدتاً به تاریخ‌نگاری سیاسی و اجتماعی یا فهرست وقایع و بناها می‌پردازند. آثاری مانند «رویدادها و یادمان‌های تاریخی تهران» (Takmil Homayoun, 2008)، «تاریخ طهران» (جواهر کلام، ۱۳۵۷) و «طهران قدیم» (Shahri, 1992) از این جمله‌اند. این منابع اگرچه درکی کلی از تاریخ محلات ارائه می‌دهند، اما معمولاً فاقد تحلیل فضایی یا پرداختن به سازوکارهای نهادی تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر هستند و بنابراین نمی‌توانند به‌عنوان پیشینه مستقیم این پژوهش در نظر گرفته شوند.

دسته دوم، مطالعات وقف‌شناسی با رویکرد مذهبی، اقتصادی یا خدماتی است. پژوهش‌هایی مانند «وقف‌شناسی تهران» (شاه‌حسینی، ۱۳۹۰)، «نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار» (ملک‌زاده، ۱۳۸۵) و «واقفان دارالخلافت» (یعقوبی، ۱۳۹۵) به‌صورت خاص به موقوفات تهران پرداخته‌اند. برای نمونه، ملک‌زاده (۱۳۸۵) بر نقش وقف در ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی متمرکز شده است. شاه‌حسینی نیز در کتاب و مقالاتی چون «ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی» (Shahhoseini, 1998) و «تأثیرات متقابل مکان‌های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجار» (شاه‌حسینی، ۱۳۹۵) ادعای پرداختن به نقش وقف در شکل‌دهی به شهر را دارد، اما عمدتاً به ذکر کلیات، فرضیات و مصارف موقوفات بسنده کرده و تحلیل نظام‌مندی از تأثیر آن‌ها بر الگوهای فضایی شهری ارائه نداده است.

دسته سوم، مقالاتی هستند که صراحتاً به رابطه وقف و

شهرسازی یا توسعه شهری می‌پردازند، مانند «تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی (برنامه ریزی فضایی - کالبدی، راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات)» (محمدی، ۱۳۷۹)، «تأثیر وقف در گسترش فیزیکی-کالبدی شهر ری» (فرهودی و میرشفیعی، ۱۳۸۷) و «نقش موقوفات در شکل‌دهی به فضاهای شهری» (یوسفی‌فر و یدالله‌پور، ۱۳۹۱). اگرچه این مطالعات از نظر موضوعی مرتبط هستند، اما اغلب از چند جهت با این پژوهش تفاوت دارند: از نظر نمونه موردی (معمولاً شهرهایی غیر از تهران یا محلات دیگر)، روش (بسندگی به استدلال‌های انتزاعی و عدم استفاده نظام‌مند از اسناد، نقشه‌های تاریخی و تحلیل‌های ریخت‌شناختی) و چارچوب نظری (عدم بهره‌گیری از نظریه‌هایی مانند «زبان الگو»ی کریستوفر الکساندر).

به‌طور خاص در مورد محله چال‌میدان، با وجود اشارات پراکنده در منابع تاریخی، پژوهشی که به‌طور تلفیقی و با ترکیب تحلیل وقف‌نامه‌ها و اسناد تاریخی، نقشه‌های دوره قاجار، تحلیل ریخت‌شناسی فضایی و چارچوب‌های نظری تولید فضا و زبان الگو، به نقش وقف در سازمان فضایی این محله بپردازد، مشاهده نمی‌شود. از این منظر، مطالعه حاضر می‌کوشد با تکیه بر این رویکرد چندلایه، «الگوی وقف‌محور سازمان فضایی محله چال‌میدان» را استخراج و دلالت‌های آن را برای گسترش ادبیات شهرسازی و تدوین سیاست‌های بازآفرینی در بافت‌های تاریخی ایران تبیین کند.

مبانی نظری

چارچوب نظری این مطالعه برای تبیین نقش وقف در تولید و سازمان فضایی محله چال‌میدان، بر تلفیق چهار رویکرد مکمل استوار است:

- نظریه «تولید فضا»ی لوفور (Lefebvre, 1974/1991)؛

- رویکرد تحلیل شبکه حرکتی (Space Syntax) (Hillier & Hanson, 1984; Hillier, 1996)؛

- مفهوم ساخت کالبدی-اجتماعی هابراکن (Habraken, 1998)؛

- زبان الگوی الکساندر (Alexander et al., 1977).

ترکیب این چارچوب‌ها امکان تحلیل وقف را نه به‌مثابه پدیده‌ای صرفاً تاریخی، بلکه به‌عنوان نهادی فعال در فرایند فضا‌سازی فراهم می‌آورد.

• نظریه تولید فضا

در این نظریه، فضا موجودیتی جدا از روابط اجتماعی نیست، بلکه محصول کنش متقابل نیروهای اجتماعی، اقتصادی و نهادی است. لوفور سه ساحت برای فضا قائل است: فضای ادراکی (کالبد و شبکه حرکت)، فضای تصویری (قوانین، مالکیت و نهادهای سازمان‌دهنده) و فضای زیسته (تجربه‌ها، مناسک و کنش اجتماعی). در این پژوهش، وقف به‌عنوان نهادی تحلیل می‌شود که با تعیین مالکیت، تعریف کاربری‌های آیینی و عمومی و شکل‌دهی به کانون‌های تجمع، هر

مسجد-بازار»، «کانون آیینی وقفی»، «گره حرکتی وقفی» و «فضای میانی وقفی» که نشان می‌دهند مداخلات نهادی وقف چگونه در بستر کالبدی محله به الگوهای پایدار فضایی تبدیل شده‌اند (Alexander et al., 1977; Alexander, 1979/2016).

• مدل مفهومی پژوهش

همانطور که در تصویر ۱ مشاهده می‌شود، مدل مفهومی پژوهش در سه سطح تحلیلی سازمان یافته است:

۱. سطح نهادی (تصوری): شامل ساختار حقوقی وقف‌نامه‌ها، انواع کاربری‌های وقفی، اهداف شرعی-اجتماعی و شیوه‌های مدیریت محلی است که قواعد نهادی حاکم بر فضا را تعیین می‌کند.
 ۲. سطح فرایندهای تولید فضا: شامل سازوکارهای فضا ساز وقف مانند تخصیص فضاهای آیینی و عمومی، سازمان‌دهی تجمعات مذهبی، شکل‌دهی به مرکزیت‌ها و جهت‌دهی به شبکه حرکت است.
 ۳. سطح ساختار کالبدی-فضایی: شامل استقرار بناهای وقفی در شبکه گذرها، اتصال به محورهای حرکت، شکل‌گیری گره‌ها و فضاهای میانی و تثبیت سلسله‌مراتب فضایی است.
- برهم‌نشینی این سه سطح، به صورت‌بندی «زبان الگوی وقف‌محور سازمان فضایی محله چال‌میدان» می‌انجامد. این الگو علاوه بر تبیین نقش تاریخی وقف، می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای بازخوانی سیاست‌های بازآفرینی شهری و ارتقای عدالت فضایی در شهر معاصر استفاده شود.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کیفی و ماهیتی تاریخی-تحلیلی و با بهره‌گیری از راهبرد مطالعه موردی، به بررسی سازوکارهای نقش‌آفرینی وقف در شکل‌گیری سازمان فضایی محله چال‌میدان در

سه ساحت تولید فضا را در محله چال‌میدان تحت تأثیر قرار داده است (Lefebvre, 1974/1991).

• سازمان فضایی و تحلیل شبکه حرکت

این رویکرد با شاخص‌هایی مانند یکپارچگی (Integration)، اتصال (Connectivity)، عمق (Depth) و مرکزیت، ابزاری بنیادی برای تحلیل ساختار فضایی محلات تاریخی فراهم می‌کند. در این پژوهش، از این روش برای تحلیل جایابی فضاهای وقفی (مانند مسجد، تکیه و مدرسه) در شبکه گذرها و سنجش نقش آن‌ها در شکل‌دهی به گره‌های حرکتی و مرکزیت‌های محله‌ای استفاده شده است. این تحلیل، پیوند عینی و سنجش‌پذیر میان نهاد وقف و سازمان حرکت شهری را نمایان می‌سازد (Hillier & Hanson, 1984; Hillier, 1996).

• ساخت کالبدی-اجتماعی

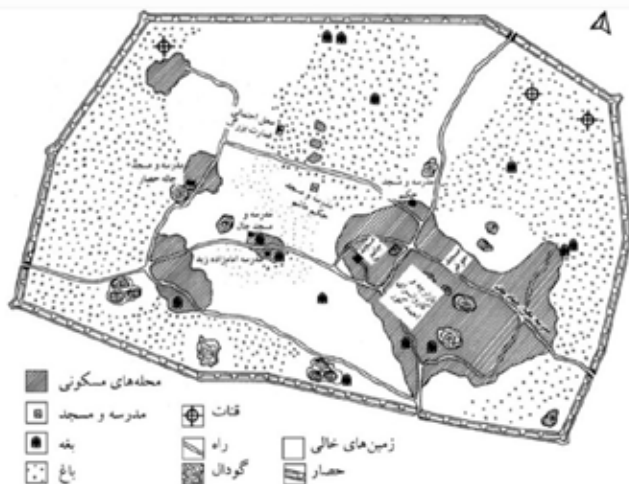
رویکرد هابراکن (Habraken, 1998) بر هم‌تنیدگی لایه‌های نهادی، عملکردی و کالبدی محیط مصنوع تأکید می‌کند و نشان می‌دهد فرم شهری برآمده از تعامل ساختارهای نهادی و الگوهای استفاده اجتماعی است. در این پژوهش، وقف به‌عنوان نهادی تحلیل می‌شود که از طریق سامان‌دهی کاربری‌های عمومی و پشتیبانی از فعالیت‌های جمعی، پیوندی پایدار میان لایه نهادی و لایه کالبدی محله برقرار و ساختار فضایی آن را تثبیت کرده است.

• زبان الگو

این نظریه، فضاهای موفق شهری را حاصل تکرار الگوهای کارآمدی می‌داند که در پاسخ به نیازهای انسانی شکل می‌گیرند. در این پژوهش، رویکرد الگودرازی به‌عنوان ابزار نهایی صورت‌بندی یافته‌ها به کار رفته است. نتایج تحلیلی به استخراج الگوهای وقف‌محور سازمان فضایی انجامیده‌اند؛ الگوهایی مانند «محور



تصویر ۱. استاندارد برای نفوذ نور روز با عمق و ارتفاع سقف معمولی، ۱/۵ برابر ارتفاع سر پنجره‌های استاندارد از کف و تا دو برابر ارتفاع سر با قفسه نور، برای پنجره‌های رو به جنوب است. مأخذ: Luther, 2004.



تصویر ۲. نقشه تهران دوره صفوی و بناهای آن. مأخذ: Mo'tamedi, 2002, 45.



تصویر ۳. نقشه تهران ترسیم کرشیش (۱۸۵۸ م ۱۲۳۷ هـ.ش). مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۵، ۱۰.



تصویر ۴. محله چال میدان و نواحی تابع چال میدان در نقشه تهران ترسیم عبدالغفار نجم‌الملک (۱۳۰۹ م.ق). مأخذ: شیرازیان، ۱۳۹۵، ۳۲.

دوره قاجار می‌پردازد. روش پژوهش، تلفیق تحلیل اسنادی و تحلیل کالبدی-فضایی است تا پیوند میان نهاد وقف و آرایش فضایی محله تبیین شود. گردآوری داده‌ها در دو حوزه انجام شد: نخست، داده‌های اسنادی (وقفنامه‌ها، نقشه‌های تاریخی تهران، آمار بلدیّه) برای شناسایی الگوی توزیع و کاربری موقوفات. دوم، داده‌های کالبدی-فضایی از طریق بازخوانی نقشه‌های تاریخی برای بازسازی شبکه معابر و بناهای شاخص.

تحلیل داده‌ها در سه سطح پیگیری شد: سطح اول، تحلیل اسنادی برای تبیین ویژگی‌های نهادی وقف و شناسایی گونه‌های فضاهای وقفی. سطح دوم، تحلیل ریخت‌شناسی فضایی با شاخص‌هایی مانند یکپارچگی، اتصال و مرکزیت، برای سنجش نقش عناصر وقفی در سازمان حرکتی محله. سطح سوم، تحلیل تفسیری برای ترکیب یافته‌ها و استخراج الگوهای فضا-نهاد در چارچوب زبان الگو. فرایند پژوهش در چهار گام اجرا شد: گردآوری اسناد وقفی، تحلیل نقشه‌های تاریخی، تحلیل هم‌بستگی فضایی و در نهایت استخراج و طبقه‌بندی الگوهای فضایی وقف‌محور. به‌منظور افزایش اعتبار پژوهش، از روش مثلث‌سازی داده‌ها استفاده شد. پایایی نتایج نیز از طریق بازبینی مکرر نقشه‌ها و مقایسه با منابع مستقل تاریخی کنترل شد.

بحث

یافته‌های پژوهش حاصل تلفیق وقفنامه‌های قاجاری، نقشه‌های تاریخی تهران، اسناد بلدیّه و تحلیل ساختار فضایی محله چال میدان است. این ترکیب، امکان تحلیل نقش وقف را به‌عنوان یک سازوکار نهادی-فضایی فراهم می‌آورد. نتایج در چهار محور سامان یافته‌اند: جایگاه تاریخی و شبکه حرکتی محله، تحلیل پهنه‌های وقفی، تبیین الگوهای فضایی براساس مدل نهاد-فرایند-فضا و سنجش کمی توسعه وقف‌محور بین سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۱۷ قمری.

• جایگاه تاریخی و ساختار فضایی چال میدان

چنانچه در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، چال میدان در موقعیتی راهبردی در نزدیکی بازار، ارگ سلطنتی و دروازه‌های جنوبی تهران قاجار قرار داشت و نقش تجاری، سکونت و آیینی را همزمان ایفا می‌کرد. نقشه‌های دوره صفوی و قاجاری (تصاویر ۲، ۳ و ۴) و اسناد شهری نشان می‌دهند گذرهای اصلی آن در امتداد محورهای پرفت و آمد و شبکه‌ای از موقوفات مذهبی و خدماتی در مجاورت این محورها گسترش یافته بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳؛ Shahri, 1992).

این الگو باعث شکل‌گیری کانون‌های تجمع اجتماعی در بطن فعال‌ترین مسیرهای حرکتی و تثبیت مرکزیت فضایی-اجتماعی محله شد. ساختار کارکردی چال میدان ترکیبی از فعالیت‌های بازرگانی، فضاهای آیینی (مساجد، حسینیه‌ها، تکایا) و زیرساخت‌های وقفی خدماتی (حمام، آب‌انبار، کاروانسرا) بود. درهم‌تنیدگی این کاربری‌ها، بستر مناسبی برای تحلیل نقش نهادی وقف در سازمان‌دهی فضایی است.

• تحلیل پهنه‌های جغرافیایی وقف

مطالعه تطبیقی وقف‌نامه‌های دوره قاجار با نقشه‌های تاریخی تهران نشان می‌دهد که موقوفات در محله چال میدان در شش پهنه مکانی متمایز قابل شناسایی هستند، که هر یک گونه‌ای خاص از مداخله فضایی این نهاد را نمایندگی می‌کند. هسته نخستین توسعه، پیرامون موقوفات فاطمه سلطان بیگم (شامل حمام، تکیه و مدرسه) شکل گرفت و به عنوان یک کانون زیستی سه عملکردی (آیینی، آموزشی و بهداشتی) عمل می‌کرد. پهنه دوم، در جوار امامزاده سیداسماعیل و تکیه وقفی آن قرار داشت و شبکه‌ای چندعملکردی از عناصر مذهبی، خدماتی و معیشتی را در خود جای داده بود. پهنه سوم در محدوده گذرهای منتهی به دروازه دولاب، ماهیتی گذری و ارتباطی داشت. سه پهنه مکمل دیگر نیز شامل موقوفات سکونتی در عمق بافت، فضاهای خدماتی پراکنده (نظیر حمام‌ها و آب‌انبارها) و موقوفات بازارمحور وابسته به سراها و راسته‌های تجاری بودند. بررسی این پهنه‌ها در بخش‌های بعدی نشان خواهد داد که منطق توسعه وقفی در محله، از تمرکز اولیه بر یک هسته آیینی، به تدریج به سمت ایجاد شبکه‌ای چندسطحی از فضاهای زیستی، خدماتی و اقتصادی گسترش یافته و در نهایت کل ساختار محله را تحت پوشش قرار داده است.

• برآیند کیفی براساس مدل سه لایه‌ای

تحلیل نهایی داده‌ها در چارچوب مدل مفهومی «نهاد-فرایند-فضا»، سه سازوکار اصلی نقش‌آفرینی وقف را آشکار می‌سازد. در لایه نهادی، وقف‌نامه‌ها با تعیین الگوی حقوقی مالکیت و نحوه بهره‌برداری و تثبیت مالکیت نیمه‌عمومی، بستر حقوقی تداوم خدمات محله‌ای را فراهم ساختند. در لایه فرایندی، برگزاری مستمر آیین‌ها و ارائه خدمات اجتماعی در فضاهای وقفی، به ایجاد مرکزیت‌های آیینی-اجتماعی انجامید که کانون تعاملات روزمره ساکنان بودند. در لایه فضایی، مکان‌یابی عناصر وقفی در امتداد گذرهای پرتردد و گره‌های شبکه حرکتی، به همراه شکل‌گیری میدانچه‌ها و فضاهای میانی پیرامون آنها، انسجام شبکه حرکت، خوانایی کالبدی و تثبیت نشانه‌های مکانی محله را تقویت کرد. برهم‌کنش این سه لایه، مجموعه‌ای از الگوهای پایدار فضایی پدید آورد که در قالب‌هایی چون «محور آیینی-بازاری»، «گره وقفی»، «فضای میانی وقفی» و «پیوند خدمات و مناسک» قابل صورت‌بندی است.

جدول ۱. آمار بناهای محله چال میدان در سال ۱۲۶۹ قمری.

مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

نوع بنا	تعداد کل	تعداد موقوفات	نوع بنا	تعداد کل	تعداد موقوفات
دکان	۷۱۲ باب	۶ باب	حمام	۱۶ باب	۳ باب
خانه	۱۸۵۲ باب	-	طویله	۱۲ باب	-
چاپخانه	۱۵ باب	-	تکیه	۱۵ باب	۱ باب
امامزاده	۲ باب	-	باغ/ زمین	اشاره نشده	۳ قطعه
مسجد	۲۵ باب	۱ باب	کاروانسرا/ سراخانه...	اشاره نشده	۴ باب

• تحلیل کمی توسعه وقف‌محور

برای سنجش کمی نقش وقف، داده‌های آماری دارالخلافه در سال‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۱۷ قمری مقایسه شدند. برای تحلیل، معادله شاخص توسعه وقف (D) طراحی شد: $D = AX + BY + CZ$. در این معادله، X نسبت موقوفات به کل بناها، Y نرخ رشد واحدهای مسکونی نسبت به سال پایه و Z شاخص تنوع عملکردی موقوفات است. ضرایب A، B و C نیز وزن اهمیت نسبی هر بُعد را نشان می‌دهند. شمار واحدهای مسکونی در این بازه از ۱۸۵۲ به ۳۳۷۲ واحد (رشد ۸۲ درصدی) افزایش یافت. برای سنجش دقیق‌تر، شاخص «تراکم موقوفات به‌ازای هر ۱۰۰۰ خانه» محاسبه شد. نتایج نشان داد خانه‌های موقوفه از حضور ناچیز در سال ۱۲۶۹، به حدود ۵/۹۳ واحد به‌ازای هر ۱۰۰۰ خانه در سال ۱۳۱۷ رسیدند. حمام‌های وقفی از ۱/۶۲ به ۲/۳۷ واحد و کاروانسراهای وقفی از ۲/۱۶ به ۳/۸۶ واحد در هر ۱۰۰۰ خانه افزایش یافتند. با وجود رشد مطلق دکان‌های وقفی، کاهش نسبی آنها به دلیل افزایش شدید شمار کل دکان‌ها، حاکی از تخصصی‌تر شدن شبکه بازار در این دوره است. محاسبات نشان می‌دهد در سال ۱۳۱۷ قمری، از ۱۸ گونه بنای شهری، ۱۴ گونه به صورت وقفی حضور داشته و حدود ۷۰ بنای وقفی در میان ۴۸۵۰ بنای ثبت‌شده شناسایی شده است. این نتایج حاکی از آن است که رشد شاخص توسعه وقف‌محور (D) تنها ناشی از افزایش کمی نبوده، بلکه بیشتر متأثر از افزایش تنوع کارکردی وقف و پیوند عمیق‌تر آن با ساختار سکونتی محله بوده است. در این دوره، وقف از نهادی صرفاً آیینی-حقوقی به محرکی مؤثر در توسعه فضایی و خدماتی محله تبدیل شد. با وجود محدودیت اطلاعات آماری جامع از تهران قاجاری، دو آماربرداری مهم در دوره‌های ناصری و مظفری انجام شد. برای درک تراکم فضایی محله چال میدان، داده‌های خام این آمارها، به‌ویژه آمار دارالخلافه تهران (۱۲۶۹ قمری) که به دستور امیرکبیر تهیه شد، مطالعه و دسته‌بندی شد. **جدول ۱** حاصل این دسته‌بندی برای محله چال میدان است. سال ۱۳۱۷ قمری نیز یک بار دیگر از شهر تهران دوره مظفری آماری جامع توسط اخضرعلی شاه تهیه شد، براساس این آمار جمعیت تهران به ۲۴۴۴۰۰ نفر افزایش یافت و وضعیت بناهای محله در آن زمان، در **جدول ۲** قابل مشاهده است.

طولیه). این ترکیب، «زبان الگوی» خاصی را شکل می‌دهد که در آن عناصر شهری به‌شکلی پویا و ارگانیک رشد می‌کنند. مراکز زنده با برنامه‌ریزی تحمیلی خلق نمی‌شوند، بلکه از دل نیازهای زیستی و آیینی جامعه و در طول زمان پدید می‌آیند. مجموعه وقف‌نامه‌های اطراف امامزاده دقیقاً نشان‌دهنده چنین فرایند تدریجی و لایه‌لایه‌ای است: ابتدا هسته مذهبی (امامزاده)، سپس خدمات جانبی آن (مانند قهوه‌خانه برای مراسم)، فعالیت‌های معیشتی و تجاری (دکان‌ها، بازارچه) و در نهایت استقرار سکونتگاه‌ها. بدین ترتیب، فضایی زنده، سلسله‌مراتبی و وابسته به استفاده انسانی شکل گرفته است. در این الگو، شهر با حذف گذشته رشد نمی‌کند، بلکه با افزودن به هسته اصلی توسعه می‌یابد. داده‌های **جدول ۴** و **تصویر ۴** این توسعه تدریجی را در گسترش بازارچه‌ها و دکان‌ها و اتصال آنها به فضاهای مذهبی نشان می‌دهد. وقف دکان‌های اصناف گوناگون (از کوزه‌گری تا طب‌خانه) در این محدوده، نمایانگر ظهور یک «شبکه عملکردی متنوع» است که پاسخگوی نیازهای روزمره ساکنان و زائران بود.

دروازه دولا ب نمونه‌ای از پویایی فضایی تدریجی در حاشیه شهر است که در آن عملکردهای خدماتی، سکونتی و تجاری به‌مرور بافت را زنده کرده‌اند. برخلاف فضاهای کلاسیک‌تر، اینجا خبری از یک هسته مرکزی نیست، اما شبکه‌ای از عناصر عملکردی در حال تبدیل به یک ساختار همبسته شهری است. این الگو مطابق با نگاه

برای تحلیل منسجم، وقف‌نامه‌ها در شش بخش جغرافیایی دسته‌بندی شدند که هر کدام گونه‌ای خاص از توسعه شهری تحت‌تأثیر وقف را نشان می‌دهد. این تقسیم‌بندی، بررسی سازوکارهای شکل‌گیری و گسترش محله را ممکن می‌سازد. هسته نخستین را می‌توان موقوفات فاطمه سلطان بیگم (خواهر شاه طهماسب) دانست که شامل نخستین بناهای عام‌المنفعه شاخص تهران، یعنی حمام، تکیه و مدرسه بود (قاسمی، ۱۳۷۹، ۷۹). این مجموعه با کارکردهای مکمل بهداشتی، آموزشی و مذهبی، یک «کانون زیستی» و «هسته حیاتی» اولیه تشکیل داد که زمینه‌ساز تجمع جمعیت و شکل‌گیری حیات اجتماعی پایدار شد. این عناصر، مطابق دیدگاه الکساندر برای زنده‌بودن یک فضای شهری ضروری هستند (Alexander, 1979/2016, 6-221). ویرانی این مجموعه در دوره‌های بعد و بقای نام‌هایی مانند «گذر حمام خانم»، گواه مرکزیت تاریخی آن در حافظه جمعی محله است.

امامزاده اسماعیل نه تنها یک مکان مذهبی، بلکه یک گره فضایی، اجتماعی و اقتصادی است. الکساندر (Alexander, 1965/2010, 85-90) بر «فضاهای مرکزی» تأکید دارد که مانند قلب در کالبد شهر عمل می‌کنند. با مقایسه **تصاویر ۲ و ۳** و **جدول ۳** می‌توان دریافت که در طی حدود یک قرن، اطراف این قطب مذهبی، یک اکوسیستم شهری با عملکردهای متنوع ایجاد شده است: عملکرد مذهبی (بقعه، تکیه)، اقتصادی (دکان‌ها، کاروانسراها)، خدماتی و روزمره (حمام، قهوه‌خانه،

جدول ۲. آمار بناهای محله چال میدان در سال ۱۳۱۷ ق.

مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

نوع بنا	تعداد کل	تعداد موقوفات	نوع بنا	تعداد کل	تعداد موقوفات
خانه	۳۳۷۲	۲۰	باغ و باغچه	۳	۳
دکان	۱۴۰۳	۷	تکیه	۵	۱
کاروانسرا	۲۳	۱۳	یخچال	۴	۴
حمام	۲۸	۸	سربازخانه	۲	-
مسجد	۲	۱	حجر طاحونه	-	۳
مسجد مدرسه	۴	۲	قهوه‌خانه	-	۴
آب‌انبار	-	۱	سقاخانه	-	۱

جدول ۳. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات هسته مرکزی محله چال میدان (نخستین هسته شهر تهران).

مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی-رفاهی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
اواخر صفوی	۱ تکیه، ۱ مسجد مدرسه	۱ حمام	-	-
نامعلوم	-	-	-	۲ حیاط، ۸ بالاخانه
۱۳۰۷ ق	-	-	۳ دکان	-
۱۳۲۲ ق	-	-	-	۱ خانه
۱۳۲۹ ق	-	-	-	۱ باب خانه

الکساندر به شهرهای زنده است: رشد از پایین، لایه لایه و در پیوند با نیازهای زیستی واقعی، نه براساس نقشه مهندسی. دروازه دولاب در نیمه نخست دوره قاجار عمدتاً کارکردی مرزی و خدماتی داشت (حمام، یخچال، دکان، باغ). این محدوده به تدریج از فضایی «خارج شهری» به «گره شهری فعال» تبدیل شده است. نخست، عناصر خدماتی بیرون دروازه وقف شدند (مانند یخچال‌ها از ۱۲۶۹ تا ۱۳۴۲ قمری). در اسناد متأخرتر، کارکردهای مسکونی و دکانین متصل به خانه‌ها بیشتر شده، یعنی منطقه از فضای پشتیبان به پیش‌صحنه تبدیل شده است؛ الگویی که الکساندر آن را حرکت تدریجی فضا از حاشیه به مرکز می‌نامد. برخلاف موقوفات

امامزاده اسماعیل که وابسته به یک هسته مذهبی هستند، موقوفات دروازه دولاب حول گره‌های عملکردی پراکنده‌ای مانند بازارچه نائب‌السلطنه، کارخانه کوزه‌گری، باغ امین‌الضرب و یخچال‌ها شکل گرفته‌اند. الکساندر بر پیوند عملکردهای ناهمگون اما مکمل برای ایجاد شهر زنده تأکید دارد. در این بخش، چنین الگویی هنوز کاملاً ساختارمند نیست، اما در حال شکل‌گیری است و تغییر الگوی موقوفات گویای منطقه‌ای در حال گذار است (جدول ۵).

در ابتدا، عناصر شهری بیرون دروازه‌ها پراکنده‌اند. سپس با گسترش بازار و شهرنشینی، دکانین، خانه‌ها و حمام‌ها به‌صورت مجموعه‌ای به وقف در می‌آیند. در نهایت، موقوفاتی در خیابان ماشین تهران و

جدول ۴. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات شمال غرب محله چال میدان (وقف و زیرساخت‌های حیات‌شهری اطراف سیداسماعیل). مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی عمومی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
۱۲۵۰-۱۲۵۹	۱ قطعه زمین برای تکیه	-	۱ خان + ۸ دکان + ۱ کارونسرا + ۱۹ دکان	-
۱۲۶۰-۱۲۶۹	تکیه سیداسماعیل	۲ آب‌انبار + ۱ قهوه خانه ۱ قطعه زمین برای مرده شورخانه + ۱ حمام	۴ دانگ کارونسرای گردن کج + ؟ دکان	-
۱۲۷۰-۱۲۷۹	-	-	۱ دکان	-
۱۲۸۰-۱۲۸۹	-	-	۱۸ دکان + ۳ دانگ کارونسرا + ۱ خانه + ۲ عمارت	-
۱۲۹۰-۱۲۹۹	زمین برای صحن امامزاده	۱ قهوه‌خانه	-	۱ خانه
۱۳۰۰-۱۳۰۹	-	۱ طویله، ۱ بهاربند	-	۱ عمارت
۱۳۱۰-۱۳۱۹	-	-	-	۱ حیاط + ۲ دانگ خانه
۱۳۲۰-۱۳۲۹	-	-	۱۲ دکان	-
۱۳۳۰-۱۳۳۹	-	-	-	-
۱۳۴۰-۱۳۴۹	-	-	۷ دکان + سرای حاجی هادی	-

جدول ۵. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات شرق محله چال میدان (فضاهای انتقالی شرقی از حاشیه به گره شهری (دروازه دولاب)). مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی-رفاهی عمومی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
۱۲۵۰-۱۲۵۹	-	-	۱ دکان	۱ باغ
۱۲۶۰-۱۲۶۹	-	۱ یخچال	۱ دکان	-
۱۲۷۰-۱۲۷۹	-	۲ حمام	۲ دکان	۱ قطعه زمین
۱۲۸۰-۱۲۸۹	-	-	-	-
۱۲۹۰-۱۲۹۹	-	-	-	-
۱۳۰۰-۱۳۰۹	-	۳ دانگ ۱ یخچال	-	-
۱۳۱۰-۱۳۱۹	-	-	۵ دکان	۱ خانه
۱۳۲۰-۱۳۲۹	-	۴ دانگ ۱ یخچال + ۲ دانگ از ۱ یخچال دیگر + ۲ حمام	۵ دکان	-
۱۳۳۰-۱۳۳۹	-	-	-	۱ خانه
۱۳۴۰-۱۳۴۹	-	-	-	۲ دانگ ۱ خانه

نشان می‌دهد وقف به تدریج شبکه‌ای زنده و در حال رشد را سامان داده که هم جذاب فعالیت و هم نگهدار بافت بوده است (جدول ۶). تنوع فضاهای وقفی (خانه، دکان، تکیه، حمام، مدرسه) و استقرار آنها در گذرهای اصلی، الگویی از رشد ارگانیک را نمایش می‌دهد. توسعه فضایی محله در این بخش، نه با برنامه‌ریزی کلان، بلکه از طریق تصمیم‌های خرد و مستمر واقفان و به صورت «ترمیم تدریجی» و افزودن به فضای موجود محقق شده است (Alexander, 1965/2010, 49).

با توجه به جدول ۷ می‌توان دریافت توسعه وقف در جنوب محله چال میدان پس از حصار ناصری، بازتابی از تغییرات کالبدی و اجتماعی تهران در دوره قاجار متأخر است. نوع موقوفات (مانند طویله، آب‌انبار، دکان‌های جدید و تکیه‌ها) نشان‌دهنده نیازهای نوظهور محلات تازه توسعه یافته و تلاش واقفان برای سازماندهی آن فضاهاست. وقف در این مرحله، نقش متعادل‌کننده و تنظیم‌گر دارد؛ چه در تثبیت مرزهای اجتماعی-فضایی جدید و چه در تقویت الگوهای زیست‌پذیر شهری در فضاهای تازه شکل گرفته است. زمین‌های تابع محله چال میدان، تحولی مهم در کارکرد وقف پس از احداث حصار ناصری را نشان می‌دهند. با توجه به جدول ۸

حوالی دوراهی مهندس‌باشی در دهه ۱۳۴۰ قمری نشان می‌دهد که مرز سنتی شهر شکسته شده و بافت شهری به بیرون گسترش یافته است. الکساندر این فرایند را یک تحول پیوسته و لایه‌لایه از مرکز به حاشیه می‌داند.

امامزاده یحیی، همانند امامزاده اسماعیل، به عنوان یک هسته معنایی-فضایی در ساختار محله عمل کرده است. این مجموعه با موقوفات اطرافش، نقشی مرکزی، هویتی و معنوی ایفا می‌کند. تلفیق عملکردهای مذهبی، تجاری و مسکونی در اینجا، ساختاری زنده و چندمنظوره پدید آورده و وقف به عنوان تسهیل‌گری در شکل‌گیری فضاهای محلی و تقویت پیوند اجتماعی عمل کرده است. تکیه، حسینیه، مسجد و مدرسه وقفی حول این محور، نمونه‌ای بارز از الگوی «فضای مقدس به مثابه مرکز تجمع» هستند. وقف دکان‌هایی با عملکردهای مکمل (از بقالی تا قهوه‌خانه) در مجاورت فضاهای عبادی، نشان‌دهنده شکل‌گیری یک «گره کنش» است که با زندگی روزمره مردم در تعامل مستقیم است (Alexander, 1979/2016, 225). تکرار وقف‌نامه‌ها از سال ۱۲۴۸ تا ۱۳۴۲ قمری در این محدوده، نه تنها گواه پویایی آن است، بلکه

جدول ۶. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات شمال شرق محله چال میدان (حریم مذهبی و هم‌پیوندی اجتماعی؛ موقوفات پیرامون امامزاده یحیی). مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی-رفاهی عمومی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
۱۲۴۸	زمین برای تکیه و حسینیه	-	-	-
۱۲۵۰-۱۲۵۹	-	-	-	-
۱۲۶۰-۱۲۶۹	-	-	-	-
۱۲۷۰-۱۲۷۹	-	۱ مکتب‌خانه	۶ دکان	-
۱۲۸۰-۱۲۸۹	-	-	-	-
۱۲۹۰-۱۲۹۹	-	-	۸ دکان	۱ خانه
۱۳۰۰-۱۳۰۹	-	۱ قهوه‌خانه	۷ دکان	-
۱۳۱۰-۱۳۱۹	۹ طاق بنای مسجد	-	۳ دکان	۳ دانگ ۲ خانه
۱۳۲۰-۱۳۲۹	-	-	-	۱ عمارت + ۱ خانه
۱۳۳۰-۱۳۳۹	-	-	-	-
۱۳۴۱-۱۳۴۹	-	-	-	۲ خانه

جدول ۷. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات جنوب محله چال میدان (گسترش جنوب محله چال میدان واکنش به تحولات پس از احداث حصار ناصری). مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی-رفاهی عمومی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
۱۳۱۰-۱۳۱۹	-	۱ حجرطاحونه، ۱ آب‌انبار،	-	۱ حیاط
۱۳۲۰-۱۳۲۹	-	۱ طویله، ۱ بهاروند و ۱ کالسک‌خانه	-	۱ خانه
۱۳۳۰-۱۳۳۹	-	-	۸ دکان و ۳ دانگ کارونسرای عرب‌ها	-
۱۳۴۱-۱۳۴۹	-	-	-	-

می‌شود تا مقایسه‌های هدفمند میان کاربری‌های وقفی در بستر تحولات جمعیتی ممکن شود. **جدول ۹** نتایج این مقایسه است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد الگوی توسعه وقف‌محور در محله چال میدان واجد دو ویژگی کلیدی بوده است: نخست، تقویت عملکردهای تجاری-بین‌راهی با افزایش کاروانسراهای وقفی (از ۲/۱۶ به ۲/۸۶ واحد به‌ازای هر ۱۰۰۰ خانه) که نشان‌دهنده پاسخگویی فعال وقف به گسترش فعالیت‌های اقتصادی است. دوم، تداوم نقش وقف در خدمات شهری با روند آرام صعودی حمام‌های وقفی، درحالی‌که کاهش دکان‌های وقفی احتمالاً ناشی از انتقال فعالیت‌های خرد به مالکیت خصوصی یا تغییر سیاست‌های وقفی در اواخر قاجار بوده است. تحلیل تلفیقی نشان می‌دهد وقف در چال میدان نقشی فعال در تولید فضا ایفا کرده است. توسعه محله از هسته‌های اولیه وقفی آغاز شد، در کانون‌های چندعملکردی (مانند پیرامون سیداسماعیل) تداوم یافت و از طریق شبکه‌ای از فضاهای انتقالی، سکونتی و خدماتی کل بافت را پوشش داد. در میانه دوره قاجار، با افزایش تنوع کاربری‌ها و تعمیق پیوند وقف با سکونت، الگویی پایدار از یک محله وقفی-بازاری شکل گرفت. این الگو می‌تواند به‌عنوان مبنایی مفهومی برای بازاندیشی سیاست‌های بازآفرینی بافت‌های تاریخی در تهران معاصر استفاده شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد نهاد وقف در محله چال میدان دوره قاجار، صرفاً نهادی مذهبی یا خیریه‌ای نبوده، بلکه عاملی فعال در تولید

می‌توان دریافت که شهرسازی آگاهانه‌ای که همچنان از الگوهای کهن پیوند فضاهای عمومی و خصوصی پیروی کرده است. موقوفاتی مانند مسجد جدیدالبناء، مجموعه داککین و خانه‌های اطراف خیابان‌ها در شهر نوین ناصری حاکی از آن است که وقف دیگر صرفاً یک کنش دینی نیست، بلکه بخشی از فرایند شبکه‌سازی شهری و اجتماعی در منطقه‌ای کاملاً نوساز است. این موقوفات به ایجاد شبکه‌ای به هم‌پیوسته از فضاهای عمومی، تجاری، مسکونی و مذهبی یاری رساندند. مسجد جدید به همراه دکان‌هایی با تنوع عملکردی بالا (از عطاری تا حلبی‌سازی)، نماد مرکزیت فعالیت‌های نوپا بود. این امر با الگوی الکساندر در مورد «فعالیت‌های کوچک در کنار نهاد مرکزی» هم‌خوانی کامل دارد (Alexander, 1979/2016, 29; Alexander, 1965/2010, 54-146). وقف در شهر جدید ناصری به‌مثابه ابزاری برای ساماندهی فضاهای نوظهور شهری عمل کرد. موقوفات در این بخش عمدتاً ناظر بر سازماندهی کارکردی شهر بودند (مسجد، بازار، دکان، آب، مسکن) که همگی اجزای یک زیست‌پذیری پایدار را تشکیل می‌دادند. برای سنجش عینی‌تر نقش وقف در شکل‌دهی به محله چال میدان، تحلیل تطبیقی دو آمار تاریخی قاجار بررسی می‌شود: آمار دارالخلافه تهران در سال‌های ۱۲۶۹ (دوره امیرکبیر) و ۱۳۱۷ قمری (دوره مظفرالدین‌شاه). این دو مقطع، امکان تحلیل روند توسعه در نیم قرن را فراهم می‌کند. در این بازه، تعداد خانه‌ها از ۱۸۵۲ به ۳۳۷۲ واحد افزایش یافته است (رشد ۸۲ درصدی). برای سنجش دقیق‌تر نقش وقف، از شاخص «تراکم موقوفات به‌ازای هر ۱۰۰۰ خانه» استفاده

جدول ۸. تعداد، نوع و سال مربوط به موقوفات شمال شرق محله چال میدان (شهر جدید ناصری؛ پیوند میان وقف و نظم نوین شهری). مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

دوره زمانی	فضای مذهبی عمومی	فضای بهداشتی-رفاهی عمومی	فضای اقتصادی عمومی	فضای خصوصی
۱۲۹۹-۱۲۹۰	-	۳ دانگ ۱ یخچال	-	-
۱۳۰۹-۱۳۰۰	۱ مسجد	-	۱۱ دکان + ۱ دکه	-
۱۳۱۹-۱۳۱۰	-	-	۴ دکان	۲ خانه
۱۳۲۹-۱۳۲۰	-	-	-	-
۱۳۳۹-۱۳۳۰	-	-	-	-
۱۳۴۹-۱۳۴۱	-	-	-	-

جدول ۹. نتایج مقایسه هدفمند میان کاربری‌های وقفی در بستر تحولات جمعیتی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از داده‌های خام مندرج در فهرست اسناد موقوفات ایران (Rezaei, 2007) و آمار دارالخلافه تهران (سعدوندیان و اتحادیه، ۱۳۶۸).

نوع موقوفه	نسبت به‌ازای ۱۰۰۰ خانه در سال ۱۲۶۹	نسبت به‌ازای ۱۰۰۰ خانه در سال ۱۳۱۷
خانه موقوفه	۰/۰۰	۵/۹۳
دکان موقوفه	۳/۲۴	۲/۰۸
حمام موقوفه	۱/۶۲	۲/۳۷
کاروانسرای موقوفه	۲/۱۶	۳/۸۶

پایداری مانند محور آیینی-بازاری، گره وقفی و فضای میانی وقفی را در قالب یک زبان الگوی فضایی پدید آورد که با رویکردهای تولید فضا و زبان الگو همخوانی دارد. تحلیل کمی مبتنی بر شاخص توسعه وقف محور نیز نشان داد تقویت نقش وقف بین سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۳۱۷ قمری، بیش از آنکه ناشی از افزایش عددی موقوفات باشد، حاصل افزایش تنوع عملکردی و پیوند عمیق‌تر آن با ساخت کالبدی-اجتماعی محله بوده است. وقف از نهادی با کارکرد مذهبی محض، به محرکی فعال در توسعه فضایی و سامان‌دهی خدمات محله‌ای تبدیل شد. از منظر کاربردی، نتایج بر لزوم توجه به ظرفیت نهادهای بومی مانند وقف در سیاست‌های بازآفرینی شهری تأکید می‌کند. الگوی استخراج‌شده می‌تواند مبنایی مفهومی برای طراحی راهبردهای مشارکت محور و پایدار باشد که حفاظت میراث کالبدی را با ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی و تقویت هویت مکانی پیوند می‌زند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای وی وجود نداشته است.

فضا و سازمان‌دهی ساخت اجتماعی محله بوده است. تحلیل وقف‌نامه‌ها، نقشه‌های تاریخی و داده‌های فضایی آشکار ساخت که فضاهای آیینی-اجتماعی وقفی در امتداد گذرهای پرتردد و گره‌های اصلی شبکه حرکت مستقر شده و در تثبیت مرکزیت‌های محله‌ای و خوانایی فضایی مؤثر بوده‌اند.

بر پایه مدل سه‌لایه‌ای نهاد-فرایند-فضا، وقف در سطح نهادی با تثبیت مالکیت نیمه‌عمومی و تعریف کاربری‌های پایدار، بستر حقوقی فعالیت‌های جمعی را فراهم ساخت. در سطح فرایندی، استمرار مناسک و خدمات در این فضاها به شکل‌گیری کانون‌های پایدار تجمع انجامید. در سطح فضایی، استقرار عناصر وقفی در گذرهای اصلی و ایجاد فضاهای میانی پیرامون آن‌ها، انسجام کالبدی و خوانایی محله را تقویت کرد. هم‌نشینی این سطوح، الگوهای

فهرست منابع

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۸). موقوفات تهران و تحول شهر (۱۲۶۹-۱۳۲۰ ه.ق.). وقف میراث جاویدان، (۲۸)، ۱۱-۲۶. <https://sl1nk.com/tfac15k>
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (گردآورنده ایرج افشار). انتشارات امیرکبیر.
- جواهرکلام، عبدالعزیز. (۱۳۵۷). تاریخ طهران. کتابخانه منوچهری.
- سعدوندیان، سیروس و اتحادیه، منصوره. (۱۳۶۸). آمار دارالخلافه تهران. نشر تاریخ ایران.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۰). وقف‌شناسی تهران. انتشارات پاپلی.
- شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۹۵). تأثیرات متقابل مکان‌های وقفی و توسعه شهر تهران در دوره قاجاریه. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۲۳)، ۷۵-۸۴. <https://l1nq.com/hvlhqqd>
- شیرازیان، رضا. (۱۳۹۵). تهران‌نگاری، بانک نقشه‌ها و عناوین مکانی تهران قدیم، انتشارات دستان.
- فرهودی، رحمت‌الله و میرشفیعی، محبوبه. (۱۳۸۷). تأثیر وقف در گسترش و توسعه فیزیکی-کالبدی شهر ری. وقف میراث جاویدان، (۶۱)، ۱۰۹-۱۲۰. <https://l1nq.com/ewpaqwa>
- قاسمی، علی. (۱۳۷۹). سیر تحولات تاریخی شهر تهران. دانش جغرافیات، (۱)، ۲۵-۲۰. <https://sl1nk.com/hu8gk2>
- محمدی، محمود. (۱۳۷۹). تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی (برنامه‌ریزی فضایی - کالبدی، راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات). وقف میراث جاویدان، (۳۰)، ۹۴-۱۰۵. <https://sl1nk.com/cv889qf>
- ملک‌زاده، الهام. (۱۳۸۵). نگاهی به امور خیریه در دوره قاجار. دانشگاه آزاد اسلامی.
- یعقوبی، بهزاد. (۱۳۹۶). واقفان دارالخلافه. آوردگاه هنر و اندیشه.
- یوسفی‌فر، شهرام و یدالله‌پور، معصومه. (۱۳۹۱). نقش موقوفات در شکل‌دهی به فضاهای شهری. وقف میراث جاویدان، (۷۹)، ۲۰-۱۰۱. https://www.mvmj.ir/article_170159.html
- Abdelmonem, M. G., & Selim, G. (2012). Architecture, memory and historical continuity in Old Cairo. *The Journal of Architecture*, 17(2), 163-189. <https://doi.org/10.1080/13602365.2012.678634>
- Alexander, C. (2010). *A city is not a tree* (F. Farshad & Sh. Golrokh, Trans.). Arman Shahr. (Original work published 2010/1965)
- Alexander, C. (2016). *The timeless way of building* (M. Ghioumi, Trans.). Tehran: Rozaneh Publications. (Original work published 2016/1979)
- Mo'tamedi, M. (2002). *Historical geography of Tehran*. Iran University Press.
- Rezaei, O. (2007). *Inventory of Iran's WAQF (Endowments) documents* [(Vol. 4). Oghaf and Charity Affairs Organization & Osveh Publications.
- Shahri, J. (1992). *The old Tehran* (Vols. 1 & 2). Moin Publications.
- Abu-Lughod, J. (1971). *Cairo: 1001 years of the city victorious*. Princeton University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv7n0cmg>
- Alexander, C., Ishikawa, S., & Silverstein, M. (1977). *A pattern language: Towns, buildings, construction*. Oxford University Press. https://books.google.com/books/about/A_Pattern_Language.html?id=hwAHmktpk51C

- Bianca, S. (2000). *Urban form in the Arab world: Past and present*. vdf Hochschulverlag AG. https://books.google.com/books/about/Urban_Form_in_the_Arab_World.html?id=tkq3a0bXBa0C
- Habibi, M. (2008). *De la cite a la ville: analyse historique de la conception urbaine et son aspect physique* [From Shar to Shahr: A historical analysis of Iranian urban identity]. University of Tehran Press.
- Habraken, N. J. (1998). *The structure of the ordinary: Form and control in the built environment*. MIT Press.
- Hakim, B. S. (1986). *Arabic-Islamic cities: Building and planning principles*. Kegan Paul International. https://books.google.com/books/about/Arabic_Islamic_Cities_Rev.html?id=IK4iItPQ6cC
- Hillier, B. (1996). *Space is the machine*. Cambridge University Press.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. Cambridge University Press.
- Hoaxer, M. (1998). *Endowments, rulers and community: Waqf al-Haramayn in Ottoman Algiers*. Brill. <https://books.google.com/books?id=tAspKaKauZ0C&printsec=frontcover>
- Karimian, H., Bahmani, A., & Shahabi, S. M. (2017). The influence of endowment in formation of urban spaces in Rey City during Qajar Era. *Bagh-e Nazar*, 13(44), 89-98.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans.). Blackwell. (Original work published 1974). https://books.google.com/books/about/The_Production_of_Space.html?id=SIXcnIoa4MwC
- Shahhoseini, P. (1998). Surveying the consecration in the cultural structure of Tehran from the Ghajar period up to Islamic Republic. *Geographical Researches*, (48), 111-119. <https://sl1nk.com/hiwhwzi>
- Singer, A. (2002). *Constructing Ottoman beneficence: An imperial soup kitchen in Jerusalem*. State University of New York Press. <https://books.google.ru/books?id=zHBHBTNwBQoC>
- Takmil Homayoun, N. (2008). *Historical events and monuments of Tehran*. Iran Cultural Studies.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عطایی آشتیانی، زهره؛ موسوی، فهیمه و نقدآبادی، زهرا. (۱۴۰۵). بررسی نقش وقف در سازمان فضایی محله: از نهاد اجتماعی تا الگوی فضایی (مطالعه چال میدان در دوره قاجار). منظر، ۱۸ (۷۶)، ۳۴-۴۵.

DOI: [10.22034/manzar.2026.563112.2390](https://doi.org/10.22034/manzar.2026.563112.2390)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_243008.html?lang=fa

